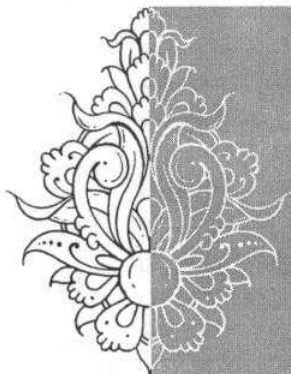


بسم الله



شوی سه پنج نام

سراینده: رضا عدل

www.ketab.ir

مثنوی سه پنج نامه

سرشناسه: عدل، رضا، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور: مثنوی سه پنج نامه/ سراینده رضا عدل.
مشخصات نشر: بیرجند: نشر چهار درخت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۷۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۱-۶۹-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کتبی: ۱۳۹ م ۵۸/۸ PIR۸۳۵۴
رده بندی دیسی: ۸۱۶/۶۲
شماره کتبی: ملی ۴۰۱۵۹۲۳

مقتضی این اثر متعلق به مؤلف است.

سرشناسه: رضا عدل
نشر: نشر چهار درخت
محل نشر: بیرجند
چاپ اول: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: واصف
امور فنی، طرح جلد: علی کاظمی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۱-۶۹-۴
قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

بیرجند - خیابان معلم - بین معلم ۴۴ و خیابان ۱۵ خرداد
انتشارات چهار درخت
تلفن: ۳۲۴۳۳۲۸۶ - ۰۵۶ همراه: ۷۱۵۵ ۵۶۱ ۰۹۱۵
www. 4derakht. ir



نشر چهار درخت

۱

مقدمه

۳

شاهزاده و اسب پریزاد

۳۳

چوپان و خان

۴۳

شیر پیر

۴۹

بی رسم

۵۳

خودخواهی

۵۹

دادن و ستاندن

۷۱

ماه‌نساء و زن صیغهای

۸۱

چهل روز دوری

۹۵

بی شرمی

۱۰۱

دار جزا

۱۱۱

خارکن و خرما

۱۱۹

جدائی

۱۲۷

شتر و شتربان

۱۴۱

زرنگی

۱۴۹

شاه و وزیر

به نام خدا

به گذشته‌ی یکی از شعرای گرانقدر «شاعر نیم و رسم و ره شعر ندانم / من مرثیه‌گوی
دل در راهم / خویشم» علاقه به ادبیات و شعر فارسی را از سنین نوجوانی، از آن موقع که
در اوایل دهه‌ی ده‌هزاره بیست و چهل خورشیدی، رشته‌ی ادبی (علوم انسانی) را برای تحصیل
در دبیرستان خریجی تمام، رجند برگزیدم در خود خویش احساس کردم.

در آن مقطع، یکی از کلاسی‌ها برای سرایش اشعاری که موضوع آن به نگاه خاص
وی به مخاطب یا شخص مورد نظر وی مربوط می‌شد، در خواست می‌کرد بنا به مناسبت،
در مدح و ستایش آن شخص به اصطلاح ابائی سروده شود، لذا بر حسب خواسته، به این
امر می‌پرداختم و البته در همان زمان از سوی او تسویه هم می‌شدم.

دوست داشتم که پس از پایان تحصیلات متوسطه، اخذ دیپلم در کسوت سپاهی
دانش عازم روستا شوم و به امر تدریس بپردازم، بگذریم که به دلیل عوارض ناخواسته، نیل
به این هدف ممکن نشد.

روزی از یک همکلاسی که پس از اخذ دیپلم به مشهد مهاجرت کرد، تنها مؤسسه‌ی
آموزشی آمادگی کنکور «مؤسسه‌ی فرهنگی رضوی» ثبت‌نام و مشغول تحصیل شده
بود، نامه‌ای دریافت کردم که در ضمن آن مرا نیز تشویق کرده بود که به مشهد آمده و
با ثبت‌نام در آن مؤسسه، همپای او جهت کنکور و ادامه تحصیل در دانشگاه آماده گردم.
همان‌طور که در ضمن مثنوی جدایی، مذکور در این مجموعه، به آن اشاره شده، تحت

تأثیر آن نامه، با آمدن به مشهد و شرکت در کلاس‌های تقویتی مؤسسه‌ی مورد اشاره، مسیر زندگی عوض شد و هرآنچه شد، فدای آن هوس شد به گونه‌ای که همه‌کاره شدم، غیر از آن که معلم شوم.

نا گفته نماند که در کنار همه‌ی مشغله و گرفتاری‌های شغلی و کاری، به مناسبت‌هایی دست به قلم می‌زدم و تحت تأثیر آنها به زعم خود اشعاری را در قالب دوبیتی، رباعی، قطعه، و نثر می‌سرودم و از این جهت احساس شاعری داشتم «به مکتب نرفته، مُلا شده» و اینک، پس از گذشت سال‌ها که گه‌گاه به آنها رجوعی دارم در برابر عظمت و بزرگی شعر همه‌ی شعرای گرانقدر، متواضع و متأخر احساس کوچکی و بی‌مقداری می‌نمایم.

به مصداق «از هر چه بنگاریم سخن دوست خوشتر است» آنچه که زمینه‌ساز و به عبارتی منشأ بروز و ظهور و به اصطلاح سرایش پانزده مثنوی گردآوری شده در این مجموعه گردیده، نقل روایت از زبان شیوانی در زمانی است که در طول زندگی با برکشان، یا شخصاً با آن مصادیق مواجه بوده و عیناً آن را درک کرده‌اند و یا حاصل برداشت آنان از وقایع پیرامونی بوده و مبنای پاره‌ای از آنها، حکایات‌هایی است که مادر و مادر بزرگ خدایا مرزم راوی آن بوده و در زمان کودکیم به نقل آن پرداخته‌اند و به مثنوی به شرح و توصیف موضوعاتی اختصاص یافته که در ارتباط با این حقیر می‌باشد.

سعی سراینده بر این امر متمرکز بوده که با تلفیق مصادیق واقعی با تخیلات ذهنی و شاخ و برگ دادن به آنها، به نوعی ارتباط موضوعی و کلامی با آن مصادیق برقرار نماید با این آرزو که مقبول طبع صاحبان ذوق و شیفتگان شعر و ادب پارسی قرار گیرد ضمن آن که نسبت به همه‌ی کاستی‌ها و لغزش‌های موجود و مشهود که قطعاً از نگاه تیزبین اساتید فن و شعرای گرانقدر و صاحب سبک و هر صاحب ذوقی دور نخواهد ماند، واقف و معترف بوده و می‌باشم و با امید به بخشایش و آرزوی اینکه این اثرگونه‌ی ناچیز «برگ

سبزی باشد تحفه درویش» به اقیانوس بیکران شعر و ادب پارسی و تقدیم به روح مادر
 بزرگوار و فداکارم که اینک در میان ما نیست و با تشکر از جناب آقای علی کاظمی که
 زحمت طراحی جلد و صفحه‌آرایی این منظومه را برعهده داشته‌اند و با سپاس از جناب
 آقای مهدی مرتضوی، مدیر محترم انتشارات چهاردرخت بیرجند که در جهت انتشار این
 مجموعه مرا یاری نموده‌اند و با صلوات بر محمد و آل محمد. «پیش‌نویس از شمای کُلی
 هر موضوعی که مبنای سرایش هر مثنوی قرار گرفته، به عنوان مَطَّلَع در جای خود ارائه
 شده است»

سراینده